

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۷۳ ■ چهارشنبه ■ ۳۰ مهر ۱۳۹۹

ایران

مساحت: ۱۶۴۰ هزار کیلومتر مربع
 جمعیت: ۷۸ میلیون نفر
 زبان: فارسی
 پایتخت: تهران
 رئیس‌جمهور: سید علی خامنه‌ای

ایران در منطقه خاور میانه واقع شده و از نظر وسعت، پنجمین کشور پهناور جهان است. این کشور دارای تنوع آب و هوایی و بافت طبیعی متنوعی است. ایران دارای ۱۶ استان است که هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود هستند.

آذرین مهر ۱۴۰۱ / آذرین مغرب ۱۳۹۹ نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ آذان صبح فردا ۴/۵۴ طلوع آفتاب فردا ۶/۱۸	
پيامبر اکرم (ص): <div>نadan کسی است که نافرمانی خدا کند، اگرچه زیبا چهره و دارای موقعیتی بزرگ باشد.</div>	
سخن روز <div>اعلام الدین فی صفات المؤمنین،ص۱۶۹</div>	

این روزها به دلیل شرایط اقتصادی و تورم بالا، مردم برای کاهش هزینه‌ها به خریدهای ضروری و اجتناب از خریدهای غیرضروری می‌پردازند. همچنین، بسیاری از خانواده‌ها به صرفه‌جویی در مصرف انرژی و آب توجه ویژه‌ای دارند.



دلار

کاهش قیمت دلار فعلاان بازار کاربران شبکه‌های اجتماعی را متعجب و هیجان زده کرد. نیمه شب دوشنبه عکس‌هایی با عنوان تجمع مردم برای فروش دلار و خبرهای کاهش قیمت ارز در کانال‌های تلگرامی بازتشر می‌شد و سه‌شنبه صبح با اخبار رسمی تحلیل‌ها جدی‌تر شد. البته کاربران زیادی به این مسأله اشاره می‌کردند که با پایین آمدن قیمت دلار معمولا قیمت اجناس کمتر نمی‌شود؛ «سقوط دسته جمعی بازارها که



می‌گویند یعنی دقیقاً این: بورس: ۳۰ درصد کاهش، دلار: ۹۰ درصد کاهش، طلا: ۱۰۰ درصد کاهش، سکه تمام: ۷۰ درصد کاهش، سکه نیم: ۱۲۰ درصد کاهش، سکه ربع: ۹۰ درصد کاهش، «با کاهش نرخ دلار، بازار خودرو پُر شده از فروشنده. قیمت پُراند هفت میلیون تومان پایین آمده و همچنان خریدار وجود ندارد»، «خیابان سیاه اصطهان غوغاست. به چه دلواپسیه نابی به سرم زده بیخوابی، عاقبت بازی با جان مردم این غلط کردن است»، «نکته

شهروند مجازی

رشد صعودی آمار مبتلایان و قربانیان کرونا باعث نگرانی و ترس بسیاری از مردم شده است. کاربران ایرانی از حال و روز خودشان در روزهای کرونایی و درگیری با بیماری می‌نویسند و از بعضی رفتارها مانند رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی انتقاد می‌کنند هرچند که تعداد زیادی هم خواستار قوانین سختگیرانه مانند اجرای قرنطینه برای کنترل شرایط هستند؛ «وضعیت جوری شده که بخش زیادی از تلفن‌ها، پیام‌ها و کامنت‌ها مون تبدیل شده به عبارت‌هایی نظیر تسلیت میگم، امیدوارم زودتر رد کنی، طاقت بیار رو تو خدا مواظب خودت باش..»، «آمار کشته‌ها به چه عددی باید برسه بلکه چند هفته تعطیل کنن تا این زنجیره انتقال به جایی بشکنه؟ البته نه از این تعطیلی الکی‌ها که آرایشگاه و کافه و رستوران و پاساژ و ادارات و... همه بازن. از اون‌ا که مثل ایتالیا و فرانسه برای خرید مایحتاج خونه هم تنونی بری بیرون»، «باورم نمی‌شه. هم زنش هم بچه‌اش کرونا گرفتن و حالشون بد. بچه تب ۳۹ درجه داره. تا صبح نخوابیدن هیچ کدوم. بعد رئیسش مرخصی نمی‌ده! حالا من بهش روحیه می‌دم ولی مادری که کرونا گرفته با بچه زیر دو سالی که اون هم کرونا گرفته و تب بالا داره قاعدتاً نباید تنها بمونه.



بهرام ارک: جشنواره‌ها را باید زنده نگه داریم

همان‌طور که جشنواره فیلم ونیز با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شد به نظر جشنواره فیلم کوتاه تهران را هم می‌شود با تدابیری برگزار کرد. اگر جشنواره فیلم کوتاه تهران برگزار نشود سرنوشت تولیداتی که امسال انجام شده است چه می‌شود؟ به نظر می‌رسد با لغو رویدادهای مهم هنری در این روزهای کرونایی فرهنگ مادر حال کشته شدن است. جشنواره‌ها فرهنگ و هنر را زنده نگه می‌دارند. ما هم باید جشنواره‌ها را با ماسک و رعایت موارد بهداشتی زنده نگه داریم.

این کارگردان سینما در گفت و گو با ایسنا از لزوم برگزاری سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران گفت.

مترجمان باتجربه به سراغ نویسندگان تازه برون

حدود یک دهه‌ای است که بیش از سایر نقاط جهان، بر ترجمه آثاری از آسیا و همچنین آفریقا متمرکزشده‌ام؛ چراکه معتقدم محل اصلی تنش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جنگ و جدال و خونریزی‌ها در این دو قاره است که بازتاب این تنش‌ها در بخش‌های مختلف هنر آنان، ازجمله ادبیات دیده می‌شود. با تکیه بر همین مسأله هم با آثار متعددی از سوی نویسندگان کشورهای مذکور طرف هستیم. البته در چرایی انتخاب‌های یک دهه اخیرم می‌توانم به‌ضرورت پرهیز از بازترجمه‌های غیرضروری هم اشاره کنم. متأسفانه چند سالی است که مد شده مترجمان کار خود را با ترجمه آثاری که پیشتر به آنها پرداخته‌شده آغاز می‌کنند، اتفاقی که البته در برخی مواقع هم بیشتر کتاب‌سازی و رونویسی هستند. حتی برخی همکاران باسابقه هم‌دست به بازترجمه‌هایی می‌زنند که نیازی به انجام دوباره‌شان نبوده است. از همین رو معتقدم مترجمانی که همچون من سال‌ها از آغاز فعالیت‌شان می‌گذرد بهتر است به‌جای بازترجمه و یا ترجمه کارهایی که به‌هرحال ناشناس نخواهند ماند و از سوی دیگر دوستان ترجمه می‌شوند به سراغ ترجمه آثار تازه برویم. از این طریق نه‌تنها مخاطبان، حتی نویسندگان جوان هم فرصتی برای آشنایی با جهان داستان‌نویسی دیگر نقاط جهان و همچنین حرف‌های تازه آنها پیدا می‌کنند. ازجمله نویسندگانی که به سراغ آنها رفتم، «وی. اس. نایپل» است؛ نویسنده‌ای که تبار آسیایی دارد. به سراغ برخی نویسندگان عرب رفتم، از هندی‌ها اگر «نایپل» و برادرش را هم هندی حساب کنیم حدود ۱۰-۱۱ رمان کارکرده‌ام. از سوی دیگر در جهت معرفی آثار نویسندگان آفریقایی هم تلاش کردم؛ همان‌طور که گفتم مترجمی به سن و سال من باید بکوشد آثار تازه‌ای پیش روی مخاطب بگذارد. اما بخشی از دلیل علاقه‌مندی‌ام به ادبیات کشورهای آفریقایی به دوران جوانی‌ام بازمی‌گردد؛ موضوع پایان‌نامه دوران کارشناسی

یادداشت



مهدی غیریایی مترجم

شکلی از تماشای زیبایی

این روزها به دلیل شرایطی که ویروس کووید ۱۹ سمپوزیوم مجسمه‌سازی درحال اجرا است. اولی‌اش گردهمایی هفت‌سنگ بود که هفت سنگ تراش خورده و مجسمه‌ها شکل گرفت و بعدی سمپوزیوم ایده برای ساحل ماشه بود و بعدی هم که همین روزها برگزار می‌شود سمپوزیوم مجسمه و طبیعت است. در این نوشته می‌خواهم به یک مدل کار کردن در دوران کرونا نگاه کنم. بعد از ماه‌ها که از شیوع این بیماری می‌گذرد تقریباً هر جا که می‌رویم آدم‌ها هنوز هم نمی‌دانند تکلیف‌شان با این بیماری و کار و بارشان چیست. آن‌هایی که بستر کاری‌شان آنلاین بوده شاید موفق‌ترین‌ها بوده‌اند و آنها که دست‌شان در کارهای جمعی بوده هنوز با تکلیف مانده‌اند چه کار می‌توانند بکنند. یکی از آن آدم‌هایی که هنوز نمی‌داند چه کار باید بکند من هستم. برای اینکه نمی‌دانم بالا‌بره باید با تاتر چه کار کرد؟ باید کاری روی صحنه برد یا نباید کاری کرد. اگر کار کنیم چطور اجرا برویم و اگر کار نکنیم چه کار باید بکنیم. این سرگردانی وجود دارد. اما در دورانی که کرونا همه جا را تعطیل کرده جزیره کیش همچنان برنامه‌های هنری خودش را ادامه می‌دهد. شاید بگویید چه کار اشتباهی است این کار. اما بالا‌بره با هنرمندانی که کار باید کرد باید آنها را از درونه درآمذاری فاکتور گرفت و گفت بمانید تا وضعیت سفید شود. این است که حداقل هنرمندهای تجسمی که می‌توانند در فضای آزاد مجسمه بسازند مشغول کار هستند تا به چهره شهر کمک کرده باشند. تا منظر شهری را با المان‌های مختلف رنگ بدهند. اصلاً مجسمه برای یک شهر ضروری است. چطور می‌شود از کنار مجسمه‌ها به‌راحتی گذشت و آنها را ندید. حتی همین سردیس‌هایی که در ابتدای اتوبان‌ها می‌بینید هم به جذابیت و زیبایی شهر کمک می‌کنند.

حالا از مدل کار کردن در دوران کرونا می‌خواهم برسم به سمپوزیوم ایده ماشه و می‌خواهم دست شما را بگیرم و به این ساحل ببرم. این ساحل یکی از جذابیت‌های جزیره است. یک جایی است که وقتی به دریا نگاه می‌کنید خلیج فارس برای‌تان شگفتی‌هایش افزون می‌شود. آن رنگ و رویی که در این ساحل هست عجیب است. در کنار همین ساحل مسجدی ساخته شده که مشهور است به مسجد ماشه. یکی از بناهایی که ثبت ملی شده است. معماری جذاب این مسجد شما را به خودش جلب می‌کند. دهه هفتاد هم قرار بوده در دریا اسکله ساخته شود اما نیمه تمام می‌ماند و چند ستون در دریا مانده و حالا هنرمندان معمار و مجسمه‌ساز قرار است با این ستون‌های در دریا اتفاقی هنری رقم بزنند. انگار هنر دریا و خشکی نمی‌شناسد. این است که ۹ ایده به این سمپوزیوم رسید و سه طرح برگزیده شد و قرار است این سه طرح ایده‌شان را تکمیل کنند و بهترین ایده در این ساحل اجرا بشود. البته وقتی این ایده اجرا شد به شرط حیات در همین ستون از شکل و شمایل تازه این ساحل می‌نویسم. ساحلی که در خاطره جمعی گردشگران و کیشوندان و بومیان جزیره شکلی از تماشای زیبایی است. پرندگانی که روی ستون‌های رها شده از بقایای اسکله می‌نشینند و بعد پرواز می‌کنند دسته جمعی و بعد شمایی که دارید به این منظر نگاه می‌کنید شگفت‌زده می‌شوید. دنیا به‌گمانم بر است از شگفتی. حتی همین پریدن پرده‌ها از روی ستون‌های ناتمام اسکله در ساحل ماشه.

در کشتی نوح چه اتفاقی افتاد؟

این روزها به‌دلیل شرایطی که ویروس کووید ۱۹ ایجاد کرده تفریح و بازی برای کودکان بیرون از‌خانه مشکل است اما بچه‌ها نیاز به تنوع دارند. یکی از کارهایی که می‌شود برای ایجاد تنوع پیشنهاد کرد تماشای فیلم تئاترهای ویژه کودکان است تا این نمایش‌ها را به‌صورت آنلاین ببینند. من سال گذشته کاری در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نام «قصه‌های سفر پرماجرای کشتی نوح» اجرا کردم. داستان حضرت نوح و کشتی او را حتماً بزرگ‌ترها شنیده و برای بچه‌ها تعریف کرده‌اند اما ما در این نمایش که به‌صورت زنده عروسیکی اجرا شد برای بچه‌ها گفتمیز از زمانی که حضرت نوح و حیوانات سوار کشتی می‌شوند تا ۴۰ روز بعد که به خشکی می‌رسند چه اتفاقاتی ممکن است روی این کشتی بیفتد. درباره این کشتی و اتفاقات آن سند مکتوبی وجود ندارد و ما فکر کردیم داستانهای ساختیم و این داستان‌ها را با استفاده از نمایش‌های آیینی ایرانی مانند نقالی، پرده خوانی و خیمه شب بازی به طنز اجرا کردیم. نمایش ما یک نکته آموزشی هم داشت و عروسک‌هایی که در این کار از آنها استفاده شد از وسایل بازیافتی ساخته شدند. این می‌تواند آموزشی برای بچه‌ها باشد که همه چیز را دور نریزند و زیاله درست نکنند و به محیط زیست کمک کنند. اکنون ویدئوی این نمایش روی سایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سامانه‌هایی مانند تیوال قرار دارد و می‌توانند آن را تماشا کنند. نمایشی سرگرم کننده که می‌تواند در این روزهای سخت لیخند به لب بچه‌ها بیاورد.



عکس نوشت

سردیس‌های هنرمندان معاصر در باغ خانه هنرمندان رومانی شد. این سردیس‌ها در ورودی بوستان خانه هنرمندان نصب شده‌اند و میان آنها سردیس هنرمندانی مانند عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، عباس کیارستمی، محمدعلی کشاورز، مجید انتظامی، جمیله شیخی و علی نصیریان دیده می‌شود. این کار باهدف ادای احترام به پیشکوتان انجام شده است.



ساعت بغداد/ شاهد الراوی ترجمه: مهدی غیریایی نشر ثالث

به‌أمیداز مهاجرتش و سرنوشت دخترش اطلاع داد. بعد رو کرد به مادرم و گفت: «دخترت هر جا که برود، محله را با خودش دارد و در برابر فراموشی از آن دفاع می‌کند.»

آلفونس دولامارتین: شاعر و نویسنده فرانسوی سال ۱۷۹۰ در چنین روزی به دنیا آمد. آلفونس دولامارتین اولین کتابش را در ۳۰ سالگی به‌نام «اندیشه‌های شاعرانه و مذهبی» نوشت و منتشر کرد. سه سال بعد و با نوشتن کتاب «اندیشه‌های تازه» متن موزون و نوشتار او مورد توجه قرار گرفت و پس از آن دولامارتین کتاب‌های «همانگی‌ها»، «سقوط یک فرشته»، «ژوسلین» و «برگزیده‌ها» را منتشر کرد که در آنها معمولاً حوادث عادی زندگی را به دیدی شاعرانه می‌نوشت. دولامارتین اهل سیاست هم بود در انقلاب ۱۸۴۸ فرانسه عضو دولت موفق این کشور شد اما بیش از همه اشعار او مورد توجه قرار گرفته است. شعر «دریاچه» که بیشتر یک اتوبیوگرافی است مشهورترین اثر دولامارتین است. اوسال ۱۸۶۹ درگذشت.

سالروز تولد علی قربان‌زاده بازیگر، صابر ساده شاعر و آرش واقع طلب شاعر هم امروز است.

فریدون گله: کارگردان و فیلمنامه نویس اجتماعی ایران سال ۱۳۸۴ در چنین روزی درگذشت. فریدون گله متولد سال ۱۳۱۹ بود و در دانشگاه نیویورک در رشته هنرهای دراماتیک تحصیل کرده بود. سال ۱۳۴۷ اولین فیلمش را با نام «شب فرشتگان» کارگردانی کرد و پس از آن فیلم‌هایی مانند «دشنه»، «زیر پوست شب» و «کندو» را ساخت. گله فیلمنامه بسیاری از فیلم‌های مطرح مانند «کوچه مردها»، «رضا چلچله»، «درختان ایستاده می‌میرند»، «کندو» و «دشنه» را هم نوشته بود.

فرانسوا تروفو: کارگردان مطرح فرانسوی سال ۱۹۸۴ درگذشت. فرانسوا تروفو در سال ۱۹۳۲ به دنیا آمد و پیش از فیلمسازی نویسنده و منتقد نشریه مطرح کایه دو سینما بود. در همان دوران هم «نظریه مؤلف» را نوشت که اکنون یکی از مطرح‌ترین نظریه‌های سینمایی است. با فیلم «چهارصد ضربه» در سال ۱۹۵۹ فیلمسازی را به‌صورت جدی آغاز کرد که این فیلم مطرح‌ترین اثر اوست. پس از آن فیلم‌هایی مانند «فازنهايت ۴۵۱»، «...»، «عروس سیاه پوش»، «...»، «کودک وحشی» «اتاق سبز»، «آخرین مترو»، «زنی در همسایگی» و «بالاخره یک‌شنبه» را ساخت. تروفو از پیشگامان موج نوی فرانسه است و آثارش با داستان‌هایی جذاب و بدون پیچیدگی مورد توجه قرار می‌گرفتند. گفته می‌شود تروفو که نویسنده یا همکار نویسنده فیلمنامه‌نویسی بود بسیاری تأثیرات انوره دو بلزاک را نویسنده فرانسوی قرار داشت و به همین دلیل از موضوعات سیاسی و اجتماعی فاصله داشت هرچند که در جریان آن‌آر می‌های سال ۱۹۶۸ در فرانسه کمی وارد سیاست شد. تروفو به هیچ‌کاک علاقه زیادی داشت و سبک فیلمسازی و فیلمنامه‌نویسی او را ستایش می‌کرد. به همین دلیل هم در سال ۱۹۶۲ به امریکا سفر کرد و گفت‌وگویی ۵۰ ساعته با هیچ‌کاک داشت که شرح آن را در کتاب «سینما به روایت هیچ‌کاک» نوشت.

جک کرواک: نویسنده و شاعر آمریکایی سال ۱۹۶۹ درگذشت. جک کرواک متولد ۱۹۲۲ بود و در دانشگاه با آلن گینزبرگ و ویلیام اس. باروز آشنا شد که این سه نفر کنار هم اعضای مرکزی «نویسندگان نسل بیت BEAT» شدند. جک کرواک با بداهه‌نویسی شهرت داشت و نخستین رمانش را سال ۱۹۵۰ به‌نام «شهر و ولایت» نوشت اما بیشتر با رمان «در جاده» شناخته می‌شود که سال ۲۰۱۲ فیلمی براساس آن به همین نام توسط والتر سالس ساخته شد. جک کرواک از فنودور داستایوسکی، هنری ملیر، مارسل پروست، جک لندن، ارنست همینگوی و هرمان ملویل تأثیر گرفته بود و در نوشته‌هایش از موسیقی استفاده زیادی می‌کرد. در واقع رمان «در جاده» را با سبک بداهه گوئی موسیقی جاز نوشته بود. از کتاب‌های او «ولگردهای دارما»، «بیگ سور»، «مگی کسیدی»، «در جاده»، «زیر زمینی‌ها» و «هایکو» به فارسی ترجمه شده‌اند.

ساموئل خاچیکیان کارگردان هم سال ۱۳۸۰ در چنین روزی درگذشت.

